

روایتی مستند از عملکرد بهائیان نظامی در آیینه روایتی نزدیک

«یگان ویژه حيفا» به سان يك تبار شناسی امنیتی

■ سمانه صادقی



می‌کند از سوی پژوهشکده تاریخ معاصر ایران روانه بازار نشر شده است. این مجموعه دو جلدی، از سوی سرهنگ شاداب عسگری تألیف شده و در بردارنده اسنادی فراوان از نفوذ گسترده این فرقه در ساختار نظامی کشورمان در دوره پهلوی دوم می‌باشد. در واقع پژوهش یاد شده، می‌تواند جزئی از یک کل قلمداد شود و ابعاد سسطره‌ه اینن تعلقه بر ایران در دوره حکومت شاه را نمایان سازد. در مورخه سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه و همزمان با برگزاری مجازی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، جلسه معرفی و بررسی این اثر با حضور مؤلف آن در باغ کتاب تهران برگزار شد. آنچه در پی می‌آید، بخشی از گزارشی است که تارنمای ناشر در باره مطالب مطروحه در این جلسه منتشر کرده است:

«شست نقد و بررسی کتاب یگان ویژه حيفا، روایتی مستند از عملکرد بهائیان نظامی، با حضور شاداب عسگری نویسنده این اثر، در روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه در باغ کتاب تهران برگزار شد. این کتاب ازسوی انتشارات پژوهشکده تاریخ معاصر ایران منتشر شده و بخش قابل توجهی از آن، بر پایه اسناد رسمی، گزارش‌ها و منابع تاریخی تدوین شده است. در ابتدای این نشست، شاداب عسگری با اشاره به محوریت نگاه نظامی در هر دو پادشاهی سلسله پهلوی به تبیین جرایمی انتخاب این موضوع پرداخت، وی با بیان اینکه رضاخان و محمدرضا



سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه، باغ کتاب تهران، سرهنگ شاداب عسگری در حال ارائه توضیحات خویش درباره «یگان ویژه حيفا»

پهلوی همواره اصالت را به چکمه و لباس نظامی می‌دادند، تصریح کرد: برای جریان بهائیت، ارتش تنها یک نهاد دفاعی نبود، بلکه یک میانبر راهبردی برای خروج از انسروا و ورود به قلب حاکمیت محسوب می‌شد. نفوذ در ارتش به معنای نفوذ در تمام ادارات دولتی و امنیتی بود که پس از بازنگشتگی نظامیان، به آنها سپرده می‌شد. نویسنده یگان ویژه حيفا، در پاسخ به پرسش‌های مجری درباره متدولوژی این پژوهش از یک مارا تن تحقیقی پرده برداشت. عسگری اظهار داشت: بیش از یک دهه از عمر خود را صرف مطالعه هزار کتاب، نشریه و روزنامه کردم. وی تأکید کرد: نیمی از محتوای این کتاب دو جلدی را اسناد متقنی تشکیل می‌دهند که با متن کامل یا تصویر آنها در اختیار مخاطب قرار گرفته است. در ادامه

نشست، موضوع ارتباط این شبکه با کانون‌های خارجی نظیر انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها مورد بحث قرار گرفت. نویسنده کتاب با قطعیت اعلام کرد؛ اسناد موجود در کتاب، پیوند میان بهائیت نظامی با اهداف صهیونیسم و انگلستان را به‌وضوح اثبات می‌کند. وی هدف اصلی این کتاب را پاسخ به این پرسش کلیدی دانست که کارویره واقعی این جریان در ارتش ۵۷ساله پهلوی چه بود؟ و چرا اسرائیل از این شبکه حمایت می‌کرد؟ در پایان باید اذعان داشت که این اثر تاریخی- پژوهشی، تنها یک تحقیق صرف نیست، بلکه یک تبارشناسی امنیتی است که از سال ۱۲۹۰ با انقلاب اسلامی را پوشش می‌دهد؛ اثری که به تعبیر کارشناسان، پاسخی مستند به سال‌ها غفلت در بازخوانی نقش نظامیان بهایی در تاریخ معاصر ایران است...»

بر خلاف روال معمول، باید آنچه را که در پی می‌آید

گزارشی به تاریخ دانست و نه گزارشی از تاریخ چه مربوط به گذشته‌های قریب و چریان تاریخنگاری دوباره آن، هنوز آغاز نشده است. با

این همه نیاید از نظر دور داشت که روایت جنگ ۴۰روزه اخیر در آینده را همینگونه گزارش‌ها و تحلیل‌های شکل خواهند داد. بنابراین همانگونه که باید تاریخ را خوانسد، باید به شکل گیری تاریخنگاری صحیح در دهه‌های بعد نیز کمک کرد. آنچه در پی می‌آید نیز در همین راستا به نگارش درآمده است. امید آنگه مفید و مقبول آید.

■ طرح مسئله

نبرد رمضان ۱۴۴۷ هجری قمری، فراتر از یک روپارویی نظامی میان ایران و ائتلاف غربی- صهیونیستی، یک رزمایش تمدنی و نقطه عطفی در بازرغف «حکمرانی مردمی» بود. از این بحران جامعه‌ای بیرون آمد که دیگر مرعوب رسانه نیست، سلبریتی‌زده نیست و قدرت خود را در خدا و مردم می‌بیند. این نوشتار، روایت ملتی است که در اوج تهدید به ارزش‌های اصیل خود بازگشت، همدلی را جایگزین نفاق و قناعت را جایگزین طمع کرد. سلبریتی‌نوی یعنی همین؛ پیوند ناگسستنی است و امامت که در آن هر شهروند، خود را مدافع هویت و عزت ملی می‌داند. ایران پس از رمضان، قطب‌نمای جدید جهان اسلام و مستضعفان عالم است. در این نوشتار برآنیم تا با روش منخایر به تحلیلی به بررسی این فرضیه بپردازیم که چگونه فشار ناشی از تهاجم مستقیم امریکا (در فوریه ۲۰۲۶ اسفند ۱۴۰۴)، به‌جای فروپاشی ساختاری، منجر به احیای ارزش‌های اخلاقی دهه ۶۰ شکست هیمنه جهانی ایالات متحده و فروپاشی مرجعیت کاذب سلبریتیسیم شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند؛ انتقال نقل حکمرانی از دولت به متن مردم در این مقطع، مدلی نوین از «مقاومت مدنی» را به جهان منخایر کرد.

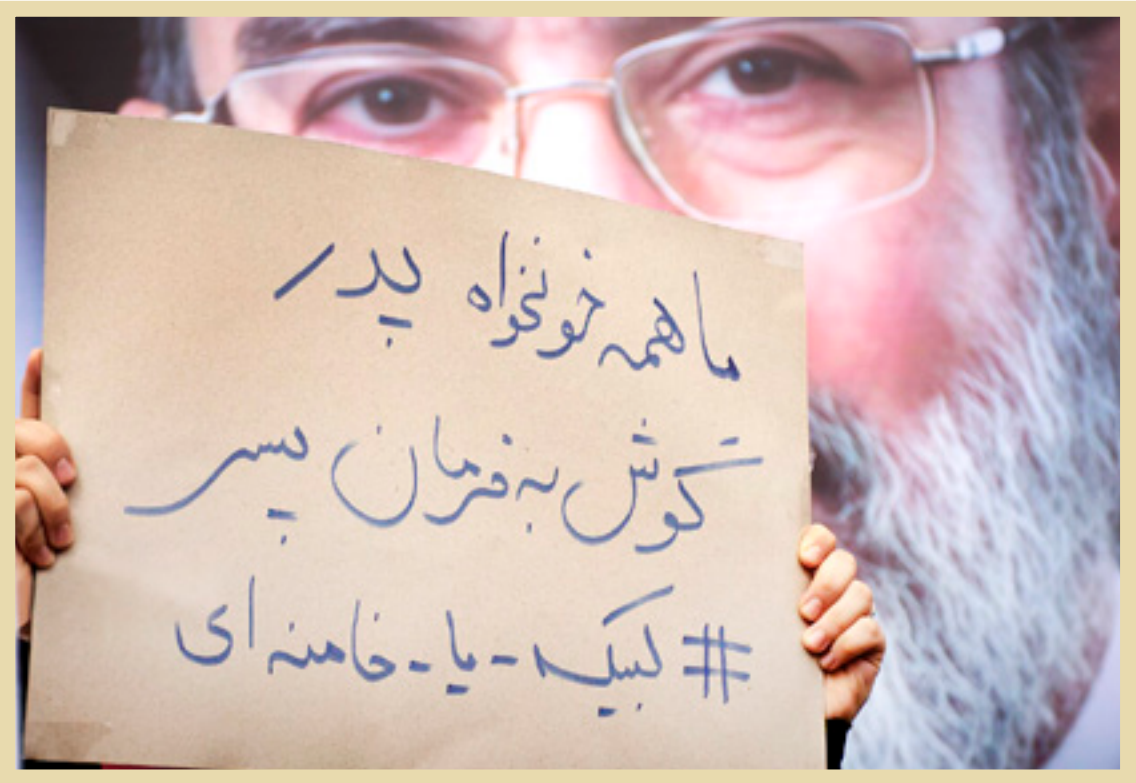
■ تقابل عربان اراده تاریخی

در تاریخ سیاسی معاصر، کمتر زمانی مانند رمضان ۱۴۴۷، شاهد تقابل عربان «هادی‌گرایی نظامی» و «معنویت اجتماعی» بوده‌ایم. تهاجم اسفند ۱۴۰۴ به خاک ایران، با هدف ایجاد شوک و بهت طراحی شده بود تا در خلأ ناشی از فقدان رهبری پیشین، ساختار حکمرانی را دچار فلج فکری و عملی کند اما تقارن این بحران با ماه مبارک رمضان، لیلیاتی قدر

و انتخاب مقتدرانه آیتالله سید مجتبی خامنه‌ای، ورق را به نفع دکترین مقاومت فعال برگرداند. آنچه در تحقق این دستاورد نقشی ویژه ایفا نمود، انتقال حکمرانی از ستاد به صف بود که الگوی حکومت نبوی(ص) را احیا کرد. یکی از برجسته‌ترین ابعاد این نبرد، جابه‌جایی نقش‌ها در اداره جامعه بود. درحالی که بر کراسی‌های دولتی تحت‌فشار وضعیت جنگی بودند، مدل حکمرانی نبوی(ص) و علوی(ع) در متن جامعه متولد شد و روبه‌رشد نهاد. به واقع انتقال نقطه نقل حکمرانی از برو کراسی دولتی به نهاد امت از شاخص‌ترین آورده‌های این دوره ۴۰روزه به شمار می‌رود.

به واقع در این مواجهه تاریخی، معجزه‌ای در ساختار قدرت رخ داد. در حالی که فشارهای تهاجم ۸اسفند، نهادهای کلاسیک اجرایی را به دلیل ماهیت متصلب و اداری‌شان دچار کندی و وقفه کرده بود، حکمرانی مردمی به‌سرعت جایگزین آن شد. این همان الگویی است که پیامبر اکرم(ص) در مدینه بنا نهادند؛ حکمرانی‌ای که در آن مردم نه صرفاً دریافت‌کننده خدمت، بلکه کارگزارند و بسا وظایف را خود بر عهده می‌گیرند. مساجد و پایگاه‌های محلی در جنگ رمضان به ستادهای توزیع عادلانه، مراکز پایش امنیت و کانون‌های حل منازعه تبدیل شدند. جالب اینجاست که در این مقطع، مراجعات به نهادهای قضایی و انتظامی برای دعاوی خرد به حداقل رسید؛ چون مردم با بازگشت به فرهنگ ریش سفیدی و گذشت، خودشان مسائل‌شان را مدیریت کردند و به واقع از بسیاری از خواسته‌های خویش صرف نظر نمودند. این انتقال قدرت نشان داد اگر به مردم اعتماد شود، هزینه‌های اداره کشور در بحرانی‌ترین شرایط به حداقل خویش کاهش می‌یابد و دست دولت برای تمرکز بر مسائل کلان‌تر گشوده خواهد شد.

■ سفره‌های مشترک مردم در رمضان مقاومت تحول روحی مردم در رمضان ۱۴۴۷ هجری قمری، خود را در سخاوت انسان نشان داد. در حالی که دشمن روی قحطی عمومی حساب باز کرده بود، مردم با «تقسیم داشته‌ها» به او پاسخ دادند. پدیده «سفره‌های یکی شده»، یعنی اینکه خانواده‌های متمکن‌تر، بار معیشتی همسایگان کم‌برخوردارتر را به دوش کشیدند، بدون آنکه نهادهای دولتی آنها را به این امر مکلف کرده باشد. صرفه‌جویی در این ماه نه از سر ناداری، بلکه به‌مثابه یک عمل عبادی و راهبردی دیده و هر قطره سوخت و هر دانسه گندم به عنوان فشنگی در برابر دشمن تلقی شد. این تحول روحی و اخلاقی، جامعه مصرف‌گرای دهه ۹۰ را به جامعه تولیدگرو قناعت‌پیشه دهه ۶۰ پیوند زد؛ بااین تفاوت که این بار، این قناعت آگاهانه و از موضع قدرت بود،



نبرد رمضان ۱۴۴۷ و تحقق رنسانس اجتماعی در ایران

بازگشت به ارزش‌های اصیل بومی در برابر جنگ ترکیبی

نه اجبار و الزام، بر خلاف پیش‌بینی نظریه‌پردازان امریکایی و اسرائیلی مبنی بر غارت فروشگاه‌ها در دوره جنگ تحمیلی سوم، مردم ایران با بازگشت به فرهنگ ایثار دهه ۶۰، الگوی مواسات را پیاده کردند و صرفه‌جویی نه به‌عنوان یک اجبار اقتصادی، بلکه به‌عنوان یک کنش مبارزاتی تعریف شد. ارزش قلمداد شدن «تاب‌آوری»، در برآب گشتن برنامه دشمن مهاجم، اثری بسیار نهاد.

این الگو، پاسخی به لیبرال‌دموکراسی غربی است که انسان را در شکم و غرایز خلاصه می‌کند. ما در این نبرد نشان دادیم، انسان ایرانی برای آرمان روزه می‌گیرد، برای آرمان می‌جنگد و برای آرمان از خودگذشتگی نشان می‌دهد. مدل ایران، یک راهکار جهانی برای ملت‌های تحت ستم است و هم از این روی نیز مردم دنیا هر روز گرایش بیشتری نسبت بدان نشان می‌دهند.

■ رنسانس اخلاقی، پایان دوران توجه به حواشی

یکی از برکات عمیق و ملموس جنگ تحمیلی سوم، تولد نوعی بلوغ اجتماعی بود. پیش از این، جامعه درگیر دوقطبی‌های فرسایشی بر سر مسائل فرهنگی و حاشیه‌ای بود، اما زیر سایه تهدید ناتو و آنان را به بالا بردن پرچم سفید دعوت می‌کند. رمضان ۱۴۴۷، شاهد پدیده‌ای بودیم که من آن را «تغافل مقدس» می‌نامم. مردم یاد گرفتند؛ به جای انگشت گذاشتن روی تفاوت‌های ظاهری و سلیقه‌ها، بر اشتراک واقعی مانند معلمان سخت‌کوش، ایران و اسلام تمرکز کنند. آن همدلی بی‌نظیر باعث شد مسائل حاشیه‌ای - که سال‌ها سوزه جنگ روانی دشمن بود- در عرض یک ماه به حاشیه برود و عمدا مورد چشم‌پوشی کاهش می‌یابد و دست دولت برای تفاوت‌ها و تمرکز بر متن بقا، تصویری از جامعه آرمانی ساخت که بسیاری تصور می‌کردند تنها در کتاب‌های تاریخ یافت می‌شود یا دست کم در آینده کمتر شاهد آن خواهیم بود.

■ تبارشناسی انسان تراز سومین جنگ تحمیلی برای درک عمق تحول روحی رمضان ۱۴۴۷، باید به تفاوت رفاه‌دگسی کاذب و عزت‌مندی مجاهدانه بپردازیم. جامعه‌ای که در دهه‌های اخیر به سمت مدل‌های توسعه غربی و مصرف‌گرایی بی‌رویه سوق داده شده بود، ناگهان در اسفند ۱۴۰۴ با شرایط یک تصمیم و اراده تعیین‌کننده روبه‌رو شد، اما این وضعیت به جای تمایل به انفجار خشم به انفجار معنا منجر شد. در این میان، احوال «تواین فرهنگی» نیز قابل تأمل است. اینان کسانی بودند که شاید تا پیش از این، نگاهی درازمدت‌یز به مبانی حاکمیت داشتند،

برد که جنگ ۴۰روزه پایانی بر اشراغیت مذهبی و توجه‌گران رسمی هم‌ارزیایی می‌شود. این مرجعیت نمایشی مربوط به کسانی بود که دین و مذهب را به ابزار ی برای کسب قدرت و ثروت تبدیل کرده بودند. همان‌ها که نذر گوسفند را به غنای حضرتی گسره می‌زدند! در رمضان ۱۴۴۷ هجری قمری، مردم به دنبال اسلام ناب دهه ۶۰ بودند؛ اسلامی که در آن رهبر و مسئول در کنار مردم روزه می‌گرفت و زیر بمباران بود. کسانی که فقط در قاب تلویزیون از مقاومت حرف می‌زدند، اسادر عمل، دغدغه‌نذی‌های پروپییمان و پروتکل‌های تشریفاتی را داشتند، مرجعیت خود را در افکار عمومی از دست دادند. جنگ، خلص ساز است و میان ادعا و عمل مرز خوئین می‌کشد. این جنگ نشان داد، مردم مسئولانی در قامت و صداقت رهبر شهید را می‌خواهند و پاس می‌دارند.



تهاجم نهم اسفند ۱۴۰۴ به خاک ایران با هدف ایجاد شوک طراحی شده بود تا در خلأ ناشی از فقدان رهبری، ساختار حکمرانی را دچار فلج فکری و عملی کند اما تقارن این بحران بسا ماه رمضان و انتخاب مقتدرانه آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، ورق را به نفع دکترین مقاومت برگرداند. آنچه در تحقق این دستاورد نقشی ویژه ایفا نمود، انتقال حکمرانی از ستاد به صف بود که الگوی حکومت نبوی(ص) را احیا کرد

اما با دیدن تهاجم عربان امریکا، به یک آگاهی ملی رسیدند و با موج گسترده مقاومت همراهی نشان دادند.

علاوه بر این و در جنگ اخیر، ما شاهد بازگشت مفاهیمی چون «رزق حلال» و «برکت»، به جای «سود خالص» بودیم. کاسبی که در زیر بمباران، قیمت کالای خود را نه تنها بالا نبرد، بلکه برای کمک به همنوع خویش آن را کاهش داد، در واقع در حال تمرین اخلاقی دینی و انسانی در ساحت اقتصاد بود. این تحول، پاسخی به ۴۰سال تهاجم فرهنگی بود که می‌خواست ایرانی را فردگرا و ترسو بار بیاورد. این در حالی است که از آغاز و بنیاد، چنین ویژگی‌هایی در میان ایرانیان رواج نداشت.

■ کالبدشکافی سقوط سلبریتیسیم و شکست ماشین‌های دروغ پرداز

جنگ رمضان ۱۴۴۷، پایانی بر دوران مرجعیت نمایشی سلبریتیسیم و سقوط قهرمانسان اینستاگرامی بود. مرجعیت پوچ کسانی که اعتبارشان را نه از ایستادگی در کنار مردم، بلکه از تعداد لایک‌ها و زست‌های روشنفکری در کافه‌های لوکس می‌گرفتند. آنها محصول دوران آرامش پوشالی بودند و وقتی امنیت به خطر افتاد، این الگوهای کاغذی مجالسه و به کناری افکند شدند. در جنگ رمضان، وقتی سایه تهدید و تهاجم واقعی (و نه مجازی) بر سر کشور افتاد، این مراجع کاذب دو راه بیشتر نداشتند؛ یا سکوت کردند تا گرین کارت و منافع فرامرزی‌شان به خطر نیفتد یا بدتر از آن، به بلندگوی بیگانگان تبدیل شدند و بلکه برخی با گمراشدن رسانه‌ای دشمن‌کنندگان، در جهه دشمن ایستادند و در رسانه‌های معاند القا می‌کردند که مقاومت بی‌فایده است و عملاً دشمنه جلاد را برای فرو بردن به قلب مردم جامعه خویش تیز کردند!

به تحریم‌کنندگان، در جهه دشمن ایستادند و در رسانه‌های معاند القا می‌کردند که مقاومت بی‌فایده است و عملاً دشمنه جلاد را برای فرو بردن به قلب مردم جامعه خویش تیز کردند! این سقوط اخلاقی، در تاریخ ایران بی‌سابقه است و منجر به یک تصفیه طبیعی در بدنه فکری و فرهنگی جامعه شد. مردم دیدند که قهرمان روی پرده، در روز واقعه نه تنها در کنارشان نیست، بلکه از فرسنگ‌ها دور‌تر، نسخه تسلیم می‌پیچد و آنان را به بالا بردن پرچم سفید دعوت می‌کند. اینجاست که آن مرجعیت پوشالی، باطن و ضمیر خویش را نشان داد و طبیعتاً فرو ریخت و نیست شد. این رفتار نشان داد سلبریتیسیم وارداتی، هیچ ریشه‌ای در خاک این فرهنگ ندارد. این نبرد، نقاب از چهره کسانی برداشت که نان برده از راه بازاریابی و سرایان فداکار مرزهای ایران را به نرخ خون هموطن می‌خورند و به چیزی جز تمدید اقامت خود در خارج از نقشه ایران نمی‌انگیزشیدند. خیانت سلبریتی‌ها صرفاً در سکوت‌شان نبود، بلکه در تئوریزه کردن تسلیم و واادگی بود. آنها در فضای مجازی، مقاومت مردم را لجاجت و ایثار زرمندگان را ماجراجویی نامیدند! اما مردم با مقایسه سفره‌های خالی خود در زیر بمباران، با لایوهای اشرافی سلبریتی‌ها در سواحل اروپا، به یک انزجار مقدس رسیدند. این برهه پایان عصر بت‌های رسانه‌ای و نویدبخش طلوع الگوهای واقعی مانند معلمان سخت‌کوش، پزشکان جهادی و سرایان فداکار مرزهای ایران است. تاریخ باید با صراحت بنویسد در رمضان ۱۴۴۷، در حالی که جوانان و پیران برای دفاع و خد و مت داوظب می‌شدند، جریانی که سالیان طولانی با هزینه این ملت چهره و فر به شده بود، در آزمون غیرت مردود و فشل بودن سلبریتی‌ها در دوره بحران، به یک اقتضاح تاریخی تبدیل شد. رویدادی که هیچ‌گاه از حافظه عمومی مردم، زوده نخواهد شد.

باوجود آنچه اشارت قرار گرفت، نباید از یاد برد که جنگ ۴۰روزه پایانی بر اشراغیت مذهبی و توجه‌گران رسمی هم‌ارزیایی می‌شود. این مرجعیت نمایشی مربوط به کسانی بود که دین و مذهب را به ابزار ی برای کسب قدرت و ثروت تبدیل کرده بودند. همان‌ها که نذر گوسفند را به غنای حضرتی گسره می‌زدند! در رمضان ۱۴۴۷ هجری قمری، مردم به دنبال اسلام ناب دهه ۶۰ بودند؛ اسلامی که در آن رهبر و مسئول در کنار مردم روزه می‌گرفت و زیر بمباران بود. کسانی که فقط در قاب تلویزیون از مقاومت حرف می‌زدند، اسادر عمل، دغدغه‌نذی‌های پروپییمان و پروتکل‌های تشریفاتی را داشتند، مرجعیت خود را در افکار عمومی از دست دادند. جنگ، خلص ساز است و میان ادعا و عمل مرز خوئین می‌کشد. این جنگ نشان داد، مردم مسئولانی در قامت و صداقت رهبر شهید را می‌خواهند و پاس می‌دارند.

د

■ ظهور مراجع واقعی، میدان به جای ویتربن

پایان مرجعیت نمایشی، آغاز مرجعیت میدان‌ها بود. در این جنگ، مرجع فکری مردم دیگر آن بازیگر، یا فوتبالیست، یا نظریه‌پرداز عاقبت‌طلب راننده کامیونی بود که نان نذر کرد و به مناطق جنگ‌زده و آسیب‌دیده رساند و فرماندهی بود که از میان دود و باروت با مردم خویش سخن گفت و به آنان واپسین تحولات را گزارش داد. در رمضان ۱۴۴۷، عمل صادقانه، جایگزین حرف‌های دهان پر کن و به ظاهر زیبا و فریبا شد. مردم فهمیدند کسی که برای آنها عزت و کرامت نمی‌آورد یا در روز سختی، دار و ندارش را پنهان می‌کند؛ شایستگی الگو بودن را ندارد.

بزرگ‌ترین دستاورد این دوران، بیداری توده‌ها بود. مردم دیگر اجازه ندادند تا کسی با استفاده از ویتربن‌های پر زرق و برق به آنها بگوید که چه باید بکنند. جنگ رمضان، فیلتر حقیقت بود. خود مرجع‌پندارانی که در آزمون وطن‌دوستی و ایثار دزد شدند، برای همیشه به پایگانی تاریخ رفتند و جای خود را به انسان‌های اصلی دادند که ریشه در این خاک قهرمان پرور داشتند.

■ آورده‌های یک مقاومت مخلصانه

اگر بخواهیم تسا بقیه دستاوردهای مهم دفاع مقدس سوم را فهرست کنیم، باید بر آنچه در فوق آمد، نکات پی‌آمده را بیفزاییم:

۱- شکست ماشین دروغ پرداز: رسانه‌هایی که قصد داشتند با بزرگنمایی قدرت ناتو، مردم را به تسلیم وادارند، به دیوار بلند آرامش جمعی ایرانیان بر خوردند. مردم در این رمضان، رسانه خود شدند. هر افطار سواده در زیر سایه تهدید، ابطل یک دروغ رسانه‌ای بود؛ تجربه‌ای که بی‌شک در آینده به کار خواهد آمد.

۲- فرورختن هیمنه امریکا و بیداری

بولک غرب: بزرگ‌ترین دستاورد ژئوپلیتیک این جنگ، ابطل افسانه شکست‌ناپذیری امریکا بود. در حالی که بسیاری فکر می‌کردند باید در برابر اراده واشینگتن تسلیم شد، ایران در رمضان ۱۴۴۷ نشان داد که قدرت واقعی در اراده ملی است، نه در کلاهک‌های هسته‌ای. قرار بود که تهاجم اسفند ۱۴۰۴، تیر خلاصی بر استقلال ایران باشد، اما به پاشنه آشیل امریکا تبدیل شد. عموماً طی ۴۰روز از بسا نداشتنه‌ها، ضعف‌ها و ناامی‌های بالقوه و بالفعل خویش رونمایی نمود. ۳- ناتوانی دشمن در مهره چینی میدانی: ایستادگی ایران ثابت کرد قدرت نظامی امریکا دیگر قادر به تغییر رژیم یا حتی تغییر رفتار ملت‌ها نیست. آنان بر حضور خیابانی‌ها و مقاومت و جنگ مسلحانه شهری بسیار حساب کرده بودند؛ امری که در برابر چشمان حیرت زده آنان به هیچ مبدل شد!

۴- تولد نانو: برای نخستین بار، شکافی بسیار جدی در بدنه این پیمان پدیدار شد و آن را تا آستانه فروپاشی پیش برد. کشورهای اروپایی با مشاهده تاب‌آوری شگفت‌انگیز مردم ایران در ماه رمضان، دریافتند دنباله‌روی مطلق از واشینگتن تنها هزینه‌های امنیتی آنها را افزایش می‌دهد. این نبرد نشان داد، می‌توان به‌ک‌خدای خود خوانده «نه» گفت و هزینه آن را با افتخار پرداخت. این ایستادگی چنان تکان دهنده بود که حتی متحدان نزدیک امریکا در اروپا و ناتو را به تأمل واداشت. وقتی ناتو در قضیه دخالت مستقیم، به امریکا پاسخ منفی داد، در واقع این ایران بود که با مقاومت رضمانی‌اش، زنجیرهای فرمانبرداری را از دست برابر اروپا باز کرد. جهان فمید می‌توان در برابر امریکا ایستاد، آسیب دید، اما نه تنها فرو نیاشید، بلکه قوی‌تر شد.

■ کلام آخر

در یک کلام جهان در رمضان ۱۴۴۷، شاهد یک رنسانس معنوی بود. حضور تمام‌قامت مردم در صحنه، از مغفوق نماز جمعه تا پای دیگ‌های اطعام عمومی، نشان‌دهنده یک تحول اجتماعی همه‌جانبه بود. دانشوره‌های ناشی از جنگ، جای خود را به سکینه قلبی داد. این همان لایه مفقوده‌ای است که در محاسبات پنتاگون نمی‌گنجد: «قدرتی که از قوت‌های نیمه‌شب رمضان سرچشمه می‌گیرد، با هیچ موشکی از پای در نمی‌آید!»

نبرد دستان ثابت‌کرد حکمرانی نبوی، نه یک تئوری انتزاعی، بلکه یک مدل عملیاتی برای اداره جامعه در سخت‌ترین شرایط است. این جنگ، هیمنه پوشالی امریکا را در هم شکست، سلبریتیسیم وطن‌فروش را رسوا و ارزش‌های دهه ۶۰ را در قالبی نوین احیا کرد. ملت ایران نشان داد وقتی سخاوت جایگزین احتکار و همدلی جایگزین حاشیه‌شود، دشمن حتی با تمام توان ناتو نیز شکست‌خورده میدان خواهد بود. این تجربه، سنگ‌بنای نظم جدیدی در جهان اسلام است که در آن، مردم نه ابزه، بلکه سوزه اصلی قدرت و حکمرانی هستند. تجربه‌ای شگرف و باشکوه که در سومین جنگ تحمیلی به ایران با تمام قامت خویش رخ نمود و عظمت خویش را به رخ همگان کشید.

- تحلیل رهیات رهبر معظم انقلاب در فروردین ۱۴۰۵ پیرامون مفهوم «صبر راهبردی و اقدام متقابل»
- آمارهای تطبیقی مصرف و توزیع اقلام اساسی در رمضان ۱۴۰۵ (گزارش‌های نهادهای مردمی).
- بررسی محتوای شبکه‌های اجتماعی و فضای کدهای خیانت در جریان تهاجم اسفند ۱۴۰۴.
- بیانیه‌های رسمی برخی اعضای ناتو در مخالفت با تداوم تهاجم نظامی به ایران در آوریل ۲۰۲۶.